

مخبر السلطنه است وی با طرز بدیعی وقایع زمان و خاطرات خود را به رشته تحریر در آورده است. مرحوم هدایت آن موقع که به حکومت فارس منصوب شده بود خاطراتی را با مرحوم آیت الله آقا میرزا ابراهیم داشته از آنجمله می نویسد:

مجتهد جامع شرایط در شیراز میرزا ابراهیم محلاتی است رحمه الله علیه، گفتند بدار الحکومه نیامده است باعلاءالدوله آخر در مسجد و کیل ملاقاتی کرده است من به منزل او رفتم اتفاق در همان موقع با کتی از تهران رسید، پسرش شیخ مرتضی (۱) خواند از می عقیدتی من نوشته بود به مناسبت مصاحبت بهاء الواعظین که این مرد فاسق است بزید و برانید الی آخر. و من در آباده این کار را کرده بودم خنده در گرفت شنیدم میرزا گفته بوده است من از رفتنار قلای خوشم می آید. اگر هم زیباست خوب ربائی است دو بیت من صبح زود به منزل او رفتم و او زودتر بیرون رفته بود، خبر کرد به حکومت آمد، مدتی صحبت دوستانه کردیم. متأسفانه در آباده قتل واقع شد و قاتل بهائی بود میرزا مایل به قصاص بود من هم قول داده بودم به اصرار قتل فرار فدیبه شد و میرزا مکدر شد و حسی هم داشت می بایست با اطلاع واجازه او باشد و من شفقت کرده بودم (۲)

سر انجام آیه الله آقا میرزا ابراهیم محلاتی در ۲۴ صفر سال ۱۳۳۶ هجری

(۱) شیخ مرتضی پسر آقا میرزا ابراهیم نبود. بلکه اخوی زاده اش بوده است

(۲) خاطرات و خطرات، توشه ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه ای از دوره

زندگی من، مهدقلی هدایت، ص ۲۶۸ - ۲۶۷ - چاپ دوم - طبع کتابفروشی

زوار - تهران.

قمری در سن ۲۰ سالگی در شیراز در گذشت و جنازه اش را با عزت و احترام در کنار قبر علی بن حمزه بن موسی الکاظم در مقبره خاندان خویش در شیراز به خاک سپردند (۱)

شعراء آن عصر مانند مرحوم فرصت و فصیح الزمان و شعاع الملك و دیگران در تاء وی اشعاری گفتند مرحوم فرصت درباره ماده تاریخش گفته است:

دوباره سال وفاتش بفارسی گفتا  
بهشت آمد الحق مقام ابراهیم  
مرحوم حاج فصیح الملك در تائی او چنین سروده است:

دو صد درود و سلام خدای رب رحیم

به آیه الله ما ابر رحمت ابراهیم

چو رفت بیکر خورشید شرع در دل خاک

بسان بیکر جو است قلب ما بدو نیم

کدام سینه که از سوک وی نشد سوزان

کدام جسم که از مرگ وی نماند سفیم

اگر یشیم شود طفل این پد چو برفت

شدند جمله زن و مرد اهل فارس یشیم

از این الم قدم کشت خفته چون قد نون

از این عزا دل ما تنگتر چو حلقه میم

برفت حجت الاسلام آنکه در همه دعر

چون نبود بخلق جمیل و خلق کریم

عیان ز جهه او بود ملک فلك توجید

نهان بخرقه او شخص يك جهان تسلیم

بکاست رونق بدخواه دین ز روی او روی

چو سحر سامری از فر معجزات کلیم